خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۵ . ۹ ذی الحجه ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۳۵۱

نقد مجموعه داستان یک نویسنده مشهدی در تهران

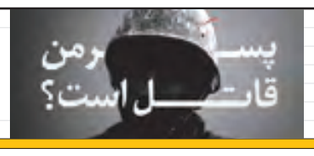

جلسه نقد مجموعه داستان «پسر من قاتل است؟» به قلم علی براتی گجوان برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، در برنامه نقد کتاب «پسر من قاتل است؟» نویسنده اثر، محمدرضا گودرزی و قاسمعلی فراست حضور خواهند داشت. این جلسه نقد و بررسی کتاب سه‌شنبه ۲۳ شهریور در فرهنگسرای گلستان تهران برگزار می‌شود. این مجموعه داستان در برگیرنده ۲۵ داستان کوتاه است که بیشتر آن‌ها با موضوع دفاع مقدس نوشته شده است.

خانه سوم داستان در سرای فردوسی

حیدری- «خانه سوم داستان» مجموعه ای از داستان های برگزیده نسل سوم داستان نویسان ایران است که انتشارات بوتیمار در کتابی با انتخاب و بازخوانی «حسین آتش پرور» راهی بازار نشر کرده است.

«خانه سوم داستان» دو بخش اصلی دارد که با نام های «کتاب اول» و «کتاب دوم» مشخص شده اند. «در رفتار فردیت ها» با بررسی داستان ها از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ بخش اول کتاب را شامل می شود. این داستان ها با رویکرد «نزدیکی داستان به شعر» هم در بخش دوم بررسی می شود. «حسین آتش پرور» از منتقدان و داستان نویسان نسل سوم داستان نویسی ایران است.

او در ابتدای کتاب نوشته است: «... انتخاب این داستان ها از جانب من، کار یک روز و دو روز نبوده است، حاصل مطالعه، یادداشت‌ها، بازنگری، بحث‌ها و ارائه آن‌ها به شکل درسی برای چند داستان نویس و خواننده داستان؛ با نظرهای مشورتی و اصلاحی بوده است» نگاه به «به چشم یک مجموعه عالی ترکیبی» تلاش آتش پرور در این کتاب است که به هر داستان دارد. آنچنان که خود می نویسد: «در بازخوانی داستان ها، در درون هریک از این واحدها- بسته به اهمیت شان- در آن داستان دست به تجزیه زدم و در تمام مراحل برای رسیدن به نوآوری به اصل تجزیه وفادار ماندم و از همین زاویه به هر داستان نزدیک شدم؛ تجزیه زمان، شخصیت، مکان، فضا و... محور اصلی را بر زمان نهادم زیرا که هر شیء و رفتار آن در زمان معنا می یابد. زمان یک داستان می تواند تقویمی- بیرونی- خطی (زمان اول) یا درونی- ذهنی (زمان دوم) یا ترکیبی از هر دو باشد» بازه زمانی داستان های این کتاب از انتشار «کتاب جمعه» در سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۴ را شامل می شود اگرچه این محدوده بعد بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ معین می شود؛ «دورهگذر» محمدرضا صفدری، «حفره» قاضی ربیحاوی، «کنیزو» منیرو روانی پور، «وضعیت» محمد شریفی، «اندوه» حسین آتش پرور، «سایه ای از سایه های غار» شهریار مندنی پور، «برهنگی و باد» ابوتراب خسروی، «دل گمشده» محمد کشاورز، «اتاق پرغبار» اصغر عبداللهی، «از میان شیشه، از میان مه» علی خدایی، «آنایر مان و دشنه و کلمات در بازوی من» بیژن نجدی، «پدر- پسر- ناصر زراعتی، «شکار شبانه» صمد طاهری و «گردش های عصر» رضا فرخ فال و حال «سرای فردوسی» در اقدامی با دعوت از صاحب این اثر که اتفاقا خراسانی است با حضور منتقدان، این کار را پنج شنبه گذشته به بحث و نقد گذاشت. در این جلسه علاوه بر جواد اسحاقیان، محسن میهن دوست وسعید رجایی بخارایی که نکاتی را بیان کردند، دکتر ابوالفضل حسینی در سخنانی با اشاره به رویکرد جدید این کتاب گفت: ادبیات انتقادی در زبان فارسی جوان است. زمانی که در غرب از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ نقد نو انگلیسی- آمریکایی به وجود آمد، شیوه‌ای جدید در نقد متون فارغ از پیش زمینه‌ها را در انداخت. این اتفاق در آن زمان تحول مهمی بود و البته در همان سال ها مکتب فرمالیسم در روسیه هم پدیدار شد که آثار آن را شاهدیم. این در حالی بود که هنوز ما در بحث هایی مثل آرایه های ادبی دست و پا می زدیم. با وجود این شاید بتوان گفت نخستین کسی که ادبیات انتقادی را در ایران و زبان فارسی پدید آورد، ملک الشعرای بهار بود که نقد ادبی را وارد کرد. البته ما پیش از این سابقه تصحیح متون ادبی را داشته ایم که به این معنا آن ها را نقد ادبی نمی دانستیم. بعد از بهار کسانی مثل صادق هدایت و نیما یوشیج را داریم. نیما هر جا که فرصتی دست داده است بوطیقای خود را ارائه کرده است. بعد هم افرادی مثل: جلال آل احمد، شاملو، گلشیری و براهنی.

در نسل بعد به افرادی مثل محمد حقوقی و عبدالعلی دستغیب و فتح ا... بی نیاز و پاینده می رسیم اما نخستین کسی که به بوطیقای نقد داستان می پردازد و هم به نظریات خارجی نظر دارد و هم منابع داخلی، رضا براهنی است. او قصه را آنالیز و بعد ساختمان قصه را از نمای بیرونی نگاه می کند. «خانه سوم داستان» خشتی است که باید در کنار قصه نویسی براهنی بگذاریم که سازه های داستان را استخراج می کند که این نوع نگاه کاملا مدرن است. اگر بخواهیم گوهر و عصاره مدرن را واکاوی کنیم باید به تضاد، ناسازه، سیالیت و گذرا بودن، فردیت و... اشاره کنیم. در این نگاه مدرن ابتدا به نگرش انگلیسی- آمریکایی می رسیم که فقط به خود اثر نگاه می کند نه نویسنده و پیشینه آن. این همان نگاه جزئی نگرانه است که باید به ویژگی های نگاه مدرن اضافه کرد. مکتب دیگر فرمالیسم بود که به اجزای عینی و بصری نگاه می کند و سعی می کند از تحلیل این داده ها به کارکرد اثر بپردازد و دیگر ساختار گرایانند که علاوه بر اجزا به مناسبات بین اجزا هم توجه می کنند. در این کتاب ردپای همه این دیدگاه ها را داریم اما یک نکته اضافه هم داریم و آن این که آتش پرست درباره هر داستان اول ساحت داستان را درک کرده است و بعد به تشریح قصه پرداخته است. حسین آتش پرور هم در سخنانی به تشریح چرایی انتشار این کتاب پرداخت و گفت: ما عادت کرده ایم در نقد و داستان مدام امرونهی می کنیم و نمی گذاریم هر کسی خودش باشد. به هدایت نگاه کنید همین جوری است.

این مثل ما بودن در عرصه داستان خیلی خطرناک است که مدام به دنبال یکسان سازی است. من در این کتاب سعی کردم از من بودن خارج شویم و دیگران را هم ببینیم. می دانید که امروز داستان به سوی فردیت می رود. در فردیت حقوق افراد رعایت می شود. مثلا اگر ۶۰ درصد جامعه به یک نفر به عنوان رئیس جمهور رای می دهند در فردیت حقوق آن ۴۰ درصد دیگر هم باید دیده شود. من در اینجا به این نکته تاکید کرده ام. خوشبختانه در داستان نویسی هم شخصیت سازی به طرف فردیت می رود.

یک نکته مهم دیگر این است که با وجود آن که قله های ادبیات در خراسان هستند اما در این اقلیم به تکنیک اهمیت داده نمی شود، حتی در کارهای دولت آبادی. شاید چون در خراسان مسائل اجتماعی مهم تر است ولی در جایی که مشکلات اجتماعی کمتر است به تکنیک اهمیت می دهند. ولی در خراسان رخدادهای اجتماعی ترجیح دارد بر تکنیک.

در پایان هم دکتر یاحقی در سخنانی با اعلام این خبر که در جلسه بعد کتاب «آیینه های خندان» از دکتر مهدی محبتی به نقد گذاشته می شود گفت: این جلسات نقد اتفاقات خیلی خوبی است. معمولا این جلسات بیشتر در تهران برگزار می شود ولی در مشهد ما نباید خودمان را دست کم بگیریم و از این جلسات باید بیشتر داشته باشیم. با افتتاح پردیس کتاب آقای رجب زاده هم فرصتی فراهم شده است که بتوانیم این گونه نگاه های نو را در عرصه ادبیات داشته باشیم. سرای فردوسی البته محدودیت موضوعی دارد ولی اگر قلمروی فردوسی را زبان فارسی بدانیم بد نیست این کارها را هم داشته باشیم که البته آثار خراسانی ها برای ما در اولویت است. این گفت و گوها سازنده است و موجب می شود کتاب ها دیده شوند.

در گفت و گو با حمید رضا شاه آبادی ،داستان نویس مطرح شد :

سریال های تلویزیونی به‌جای داستان های پاورقی !

اکرم محمدی
info@khorasannews.com

مرکز آموزش تخصصی رسانه روزنامه خراسان که تاکنون کلاس های متعددی را در حوزه روزنامه نگاری و آموزش برگزار کرده، این روزها به برگزاری دوره تخصصی داستان و ژورنالیسم اقدام کرده است. این دوره با همکاری بنیاد شعر و ادبیات داستانی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می شود و استادان ادبیات و روزنامه نگاری کارگاه هایی را با هدف ارتقای دانش ادبی و ژورنالیستی نویسندگان جوان، برگزار می کنند. این دوره از هفتم تا نهم مهرماه برگزار می شود که علی اصغر سیدآبادی به خدمات متقابل ادبیات و ژورنالیسم می پردازد. حسین فتاحی از روزنامه نگاران داستان نویس می گوید و فریدون صدیقی تاریخچه نقد داستان و شعر در مطبوعات و مسائل روز را بیان می کند.

حمیدرضا شاه آبادی پژوهشگر تاریخ، داستان نویس و نمایش نامه نویس معاصر یکی از کسانی است که در این کارگاه تدریس می کند. شاه آبادی قرار است با موضوع "طراحی رمان" برای علاقه مندان صحبت کند. به همین منظور گفت و گویی با این نویسنده و پژوهشگر انجام داده ایم که می خوانید.

***چگونه یک رمان در ذهن نویسنده، شکل می گیرد؟**

**نگارش رمان، معمولا با یک اندیشه و فکر آغاز می شود و با یک موضوع گیری و یا یک پرسش در برابر جهان هستی، شکل می گیرد و این می تواند در شکل های مختلف رخ دهد و موجب خلق انواع مختلفی از رمان شود. تلاش من این است که بتوانم این فرایند را به یک نوع نقشه راه، تبدیل کنم که بتواند به رمان نویسان جوان آموزش بدهد که چطور ایده ها و اندیشه های خود را به رمان تبدیل کنند.

***در برخی از رسانه های مکتوب، صفحاتی هست که می توان داستان هایی را خواند. تعریف شما از این گونه داستان ها چیست؟**

**گونه های ادبی، کاملا وابسته به رسانه های مکتوب هستند. هر وقت رسانه های مکتوب در بخش ادبی فعال می شوند و مخاطب را جذب می کنند، شاهد رشد داستان، مثل داستان کوتاه هستیم و در عین حال گونه های ادبی دیگر مثل رمان، وابسته به نوع انعکاسشان، در رسانه های مکتوب هستند. اگر منتقدان در رسانه ای مکتوب، داستان های منتشر شده را نقد کنند، نوعی نگاه ناظر بر کیفیت، در ادبیات شکل می گیرد و می تواند موجب رشد و تقویت ادبیات داستانی شود.

***آیا می توان گفت هر داستانی که در نشریه ای منتشر شود، داستان ژورنالیستی است؟**

**نه، من نگاه ژورنالیستی را اصلی ترین وجه یک داستان ژورنالیستی می دانم. نگاه ژورنالیستی، نگاهی است که لحظه را در می یابد و می تواند درباره لحظه، وقایع و رخدادها در لحظه، اظهار نظر و موضع گیری کند. داستان ژورنالیستی، داستان نویسنده ای است که در میان جامعه و مردم، به شرایط، نیازها و مسائل مردم فکر می کند و دست به قلم می شود. نویسنده ژورنالیست جزو اولین کسانی است که درباره هر واقعه اجتماعی در اطراف خود، واکنش نشان می دهد و مثل مورخین صبر نمی کند که یک نسل از واقعه بگذرد تا درباره آن دست به قلم شود.

***با این حال تفاوت داستان های ژورنالیستی با سایر گونه های ژورنالیستی را در چه چیزهایی می توانیم ببینیم. آیا گونه های دیگر هم در این قالب می گنجد؟**

**داستان ژورنالیستی، داستانی نیست که در مطبوعات منتشر شود، صرفا در مطبوعات منتشر شدن یک داستان آن را به یک داستان ژورنالیستی تبدیل نمی کند. نوع نگاه نویسنده و شیوه کار است که می تواند داستان ژورنالیستی را شکل بدهد. سرعت عمل داشتن و واکنش نشان دادن به مسائل روز و مسائل دیگر که به ذات و قالب داستان تسری پیدا می کند، به عنوان مثال کسی که در لحظه به وقایع واکنش نشان می دهد و می نویسد، باید نثری ساده و روان داشته باشد و امکان قلم فرسایی و به کار بردن نثر سنگین در چنین کارهایی وجود ندارد.

***وضعیت انتشار داستان در رسانه ها را چطور ارزیابی می کنید؟**

**امروزه، نسبت به چند سال گذشته، وضعیت بهتری دارد اما نیاز داریم تا مجلات و نشریات بیشتری داشته باشیم که به موضوعات داستانی بپردازند. البته جای نقدهای خوب و تاثیر گذار در نشریات خالی است.

***در گذشته داستان هایی به شکل پاورقی در روزنامه ها و مجلات منتشر می شد اما امروز، چنین آثاری را کمتر می بینیم. دلیل این که نشریات از انتشار چنین آثاری فاصله گرفته اند، چیست؟**

**عوامل متعدد بیرونی و درونی وجود دارد. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل این کار این است که سریال های تلویزیونی جای داستان های پاورقی را گرفته است. در گذشته، پاورقی ها می توانستند مخاطب را با خود همراه کنند. امروزه با زیاد شدن سریال های تلویزیونی، مخاطبان ترجیح می دهند که سریال ببینند اما بعضی از مسائل به درون مطبوعات برمی گردد. متاسفانه در برخی دوره ها، نشریات، به خصوص مجلات دوره ای به خاطر مسائل فنی، نظم و ترتیب انتشار خود را از دست می دهند. به همین دلیل پیگیری کردن داستان های دنباله دار در چنین مجلاتی سخت می شود. این عوامل می تواند دلیلی باشد بر این که رجوع به داستان های پاورقی، چه از طرف مخاطبان و چه از طرف گردانندگان نشریات، کمتر شده است.

***متاسفانه در حال حاضر، یک نشریه تخصصی در حوزه داستان نویسی وجود دارد، در گذشته هم نشریاتی بودند که فقط با عده معدودی نویسنده همکاری داشتند و برخی هم جناحی کار می کردند، آیا نبود نشریات تخصصی در حوزه داستان و یا محدود عمل کردن، برای داستان نویسی، نوعی آفت محسوب می شود؟**

**تعداد نشریاتی که به شکل تخصصی، به داستان نویسی به صورت تخصصی می پردازند، خیلی کم است. در نشریات مختلف، صفحات داستان وجود دارد که گاهی پررنگ است و گاهی کمرنگ. این که چه نشریاتی به صورت کاملا تخصصی به داستان می پردازند و چه بخشی از صفحات خود را به این کار اختصاص می دهند، مسئله ای مهم است و هر دو طیف باید نگاهی همه نگر به داستان داشته باشند. هر نوع ایجاد محدودیت، به این معنی است که از مخاطب می خواهیم که چشمش را به بخشی از داستان نویسی ایران ببندد و به همین دلیل آن نشریه یا بخشی از نشریات، آینه تمام نمای داستان نویسی ایران به حساب می آیند و وقتی مخاطب به آن رجوع می کند، احساس می کند که بخشی از حرف ها ناگفته مانده است و فکر می کنم همه نگر بودن نشریات بزرگترین نیاز آن هاست.

***ارتباط متقابل مطبوعات و داستان نویسی تا چه حد بر یکدیگر تاثیر گذار است؟**

**در یک فضای سالم، هر رسانه ای به دنبال ارائه آثار خود است. در این شرایط، مطبوعات می توانند جاذبه داشته باشند. به ویژه رسانه هایی که با عامه مردم ارتباط برقرار می کنند، نشریات هم برای این که با مردم، ارتباط بهتری داشته باشند، نیاز دارند تا با نویسندگان خوب و توانا همکاری داشته باشند. هر دو طرف باید احساس کنند که در یک بازی دو طرف برد، برد حضور پیدا می کنند و هر دو باید به هم کمک کنند و تنگ نظری ها کنار گذاشته شود. نگاه همه نگر با هدف بهبود و ارتقای سطح کیفی نشریات و ادبیات داستانی باید شکل بگیرد.

***برگزاری کلاس های آموزشی، چقدر در رشد و ارتقای داستان نویسی موثر است؟**

**در مورد این موضوع زیاد صحبت شده که آیا می توان داستان نویسی را آموزش داد یا نه؟ معتقدم که داستان نویسی را می توان آموزش داد به این شرط که آموزش گیرنده، تنها به آموزش و حضور در کلاس اکتفا نکند. مهمترین اتفاقی که در این زمینه باید بیفتد این است که شخص، شم داستان نویسی و نگاه داستان نویسانه داشته باشد و تجربه های زندگی را به داستان تبدیل کند. نگاهی که از اطراف خودش، داستان جذب کند و امیدوارم کسانی که در این کلاس ها شرکت می کنند، پیش از هر چیز این نگاه را در خود، تقویت کنند.

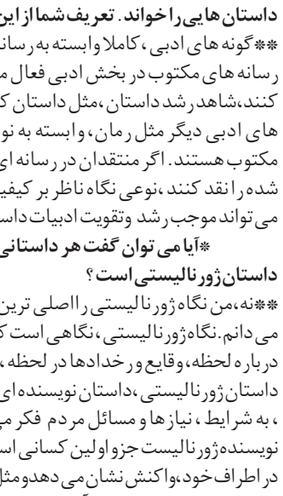

۸ جستار حسین سناپور درباره داستان نویسی

کتاب «تودرتویی شگردها» نوشته حسین سناپور شامل ۸ مطلب و یادداشت درباره داستان نویسی منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب «تودرتویی شگردها» نوشته حسین سناپور شامل ۸ نوشته یا مقاله درباره داستان نویسی به تازگی منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب هشتاد و چهارمین عنوان مجموعه «درباره ادبیات» است که این ناشر چاپ کرده است.

«ده جستار داستان‌نویسی» و «جادوهای داستان» (چهار جستار داستان‌نویسی) دو اثر دیگر از این داستان نویس است که پیش از این در قالب مجموعه مقالاتی درباره داستان نویسی به چاپ رسیده است.

«داستان کابوسی»، «داستان جنایی: انگاره ماز»، «نظرگاه: کارکردهای نامتعارف»، «راوی همچون نقاب»، «کارکردهای دوم شخص»، «داستان یعنی مواجهه»، «قصه ای که نباید گفت» و «سختی جذاب، آسانی دل کندنی» عناوین ۸ جستاری است که در این کتاب به چاپ رسیده است. ابتدای این مطالب هم بخش کوتاهی به نام ورودیه درج شده که سناپور در آن، توضیحات لازم درباره کتاب و مطالب درج شده در این اثر را توضیح داده است.

سناپور معتقد است: این کتابش به دلیل داشتن مقالات و مسائل نظری، شبیه دیگر آثار معمول آموزشی نیست که متمرکز بر یک موضوع مشخص و معین هستند. این نویسنده می گوید: اگر مخاطبی، دو کتاب «ده جستار داستان‌نویسی» و «جادوهای داستان» او را خوانده باشد، می تواند ادامه مطالب آن‌ها را در این کتاب جستجو کند. با این حال مقالات این کتاب، ذاتی مستقل از نوشته های پیشین سناپور دارند و می توان مبنای واکاوی داستان های مختلف از جمله کابوسی و جنایی را در آن‌ها جستجو کرد.

او درباره این کتاب و دو کتاب پژوهشی دیگرش می گوید: هر چه هست، چه در این کتاب و چه در دو مجموعه جستار قبلی، سعی من ابتدا عمیق تر کردن نگاه مان به داستان بوده است و سپس، از همان طریق، آموزش بعضی جنبه های داستان نویسی. موفق یا ناموفق، ارزیابی اش با خوانندگان.

این کتاب با ۱۲۶ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۰۰ هزار ریال منتشر شده است.